

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امامیه و اباضیه در مفهوم امامت براساس متون تفسیری آنان؛ رویکردی تاریخی

محمود عباس‌زاده^۱، منصور پهلوان^۲ و سید محمد علی ایازی^۳

چکیده:

مفهوم امامت از اساسی‌ترین مباحث قرآنی است که در بین همه فرق، از جمله امامیان و اباضیان مطرح می‌باشد. با این همه، این دو گروه در بیان مبانی و تعریف امامت و حدود اختیارات و مسئولیت‌های امام، یک سخن نیستند. نویسندگان این مقاله برآنند تا با مراجعه به منابع آنان به ویژه سه تفسیر *مجموع البیان*، *المیزان* و *أطیب البیان* از شیعه و سه تفسیر *کتاب الله العزیز*، *تیسیر التفسیر* و *جواهر التفسیر از اباضیه*، نخست سیر تاریخی و نوع دریافت و قرائت هر یک از نویسندگان این تفاسیر را درباره مفهوم امامت بیان کرده و سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را در این باره تحلیل نمایند و به این سؤال پاسخ

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: shabbaszadeh46@yahoo.com.

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده هیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ایران، (نویسنده مسئول):

pahlevan@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران: sma.ayazi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۹

دهند که: از بررسی آیات امامت و ولایت در قرآن کریم در تفاسیر امامیه و اِباطیه، به چه نتایج و دست‌آوردهایی می‌رسیم؟ بررسی‌های به عمل آمده، نشان داد که اِباطیان در تعریف و تبیین اصل امامت با شیعیان اختلاف دارند؛ اما در فروع موضوع، اشتراکاتی با آنان دارند. این دست‌آورد در نتیجه بررسی هفت مفهوم «أولی الأمر»، «ولایت»، «امامت»، «مودت»، «تبلیغ»، «اکمال» و «تطهیر» حاصل آمده که همگی در قرآن ذکر شده و در منابع تفسیری دو گروه مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش، براساس روش تحلیلی و با مراجعه به منابع اصلی تفسیری دو گروه و تطبیق آن‌ها با هم سامان داده شده است.

کلیدواژه‌ها:

امامت، ولایت، تفسیر، شیعه، اِباطیه، اشتراک، افتراق.

مقدمه:

آشنایی با مذاهب اسلامی، برای دست‌یابی به هم‌فکری و تفاهم میان مسلمانان، ضروری است؛ زیرا تا شناخت دقیقی از مذاهب در میان دانشمندان و پژوهش‌گران به وجود نیاید، نمی‌توان از وحدت اسلامی سخن گفت. لذا، به عنوان سخن آغازین، اشاره مختصری به تاریخ پیدایش، توزیع جغرافیایی، جمعیت، ظهور اِباطیه و منابع اولیه و ضروری برای شناخت آن‌ها می‌پردازیم.

«اِباطیه، یا اِباطیه، فرقه‌ای از خوارج، منسوب به عبدالله بن اِباط تمیمی و از کهن‌ترین فرق پیدا شده در بین مسلمانان هستند. با این‌که این فرقه در برابر اکثریت عظیم امت اسلامی، گروه کوچکی به شمار می‌آیند، ولی از لحاظ تاریخی و شناخت اعتقادات فرق و مذاهب، اهمیت بسیار دارد» (دهخدا، ۲۲۱/۱).

«مذهب اِباطیه از قدیمی‌ترین مذاهب اسلامی است که در قرن اول هجری ظهور کرد و تنها در نیمه آخر قرن سوم، به منزله مذهب، در منابع و مصادر ذکر شده است» (ضیایی، تاریخ و اعتقادات اِباطیه، ۷۳).

این فرقه پیروانی در برخی کشورهای اسلامی، از جمله عمان، زنگبار، و در شمال آفریقا

مانند، الجزایر، لیبی، تونس، غنا، مالی و کنگو دارد. جمعیت اباذیان چندان زیاد نیست. برخی آمارها، جمعیت آنان را بین شش تا هفت میلیون نفر تخمین زده‌اند. اباذیان امامت را برای پیش‌برد اهداف جامعه، لازم و ضروری می‌دانند؛ اما در ویژگی‌هایی مانند علم امام، عصمت امام، نصب امام، نحوه انتخاب امام، شرایط امام، و مسائلی از این قبیل، با شیعه بسیار فرق دارند. تعریف آنان از امامت در معجمشان بدین گونه است: «امامت همان ریاست عمومی دین و دنیا، برای یک نفر که جانشین رسول خدا ﷺ در برپایی دین و حفظ حدود ملت است. امامت تمامی شؤون پیامبر، در اقامه شرع و دفاع از حقوق مردم است. بیعت خلافت به وسیله اجماع تمامی امت محقق می‌گردد و اطاعت کردن از خلیفه، بر تمامی مردم واجب است. و اما امامت، با بیعت خاصی از حیث زمان و مکان محقق می‌شود و معمولاً در یک مذهب است. امامت از اصول دین است که برپایی آن واجب است؛ زیرا مردم به آن محتاج هستند و از واجبات کفایی محسوب می‌شود. ترک امامت سبب تعطیلی حدود الهی و تضييع حقوق بندگان است، و برای امامت به کتاب، سنت، و اجماع استدلال می‌شود» (مجموعه من الباحثین، ۶۸/۱).

یکی از عالمان اباذی در مورد امامت، می‌گوید: «امامت در لغت، به معنی رهبری و پیشوایی است که از وی پیروی شود، خواه عادل باشد یا مستبد و ستم‌گر باشد، و چه بر طریق حق باشد یا باطل، و لکن در عرف، امام به کسی گفته می‌شود که فقط عادل باشد. پس امام عادل کسی است که بر اساس آنچه خداوند نازل کرده است، حکم می‌کند و از قرآن تبعیت می‌کند؛ اما امام ستم‌گر کسی است که به غیر آن چه خداوند نازل کرده، حکم می‌کند و از هوای نفس تبعیت می‌کند (حارثی، ۲).

علی‌رغم این که دیدگاه‌های شیعه نسبت به مسأله امامت، برای پژوهش‌گرانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، معلوم است، ولی قبل از ورود به مباحث تطبیقی، برای روشن‌تر ساختن ذهن خوانندگان، شماری از تعاریف پژوهش‌گران شیعه از امامت را ذکر می‌نماییم.

«در مکتب تشیع، فلسفه بعثت پیامبران، با فلسفه نصب و تعیین امام از طرف خدا یکی است، و همان عللی که ایجاب می‌کند خداوند رسولی را بفرستد، همان نیز ایجاب می‌نماید که پس از پیامبر، امامی که عهده دار وظایف رسالت باشد، از طرف خدا، منصوب گردد. علم وسیع و گسترده، عصمت و مصونیت از گناه و خطا از شرایط اساسی امام است و شناسایی چنین فردی جز از راه وحی امکان پذیر نیست» (سبحانی تبریزی، *خدا و امامت*، ۱۰).

«شیعه امامیه بر این باور است که مسئولیت‌های پیامبر اکرم ﷺ، جز ابلاغ شریعت اسلام به منزله آخرین شریعت آسمانی، به جانشینان آن حضرت سپرده شده است. بر این اساس، حفظ و تبیین شریعت، رهبری معنوی، اخلاقی و سیاسی جامعه بشری، از جمله اهداف عالی امامت و وظایف مهم امام است. خداوند شایستگان این مقام والا را که همان امامان دوازده‌گانه شیعه امامیه‌اند، گزینش، و توسط پیامبر اکرم ﷺ، به جامعه بشری معرفی کرده است» (ربانی گلپایگانی، ۱۱).

«قرآن کریم به وضوح بر نص بر امامت، تأکید و تصریح می‌کند که امامت، منصبی الهی است و خدا هر کس را بخواهد، برای آن برمی‌گزیند و هرگز این امر را به خود مردم واگذار نکرده است» (اراکی، ۴۷).

پیشینه:

در رابطه با اَباضیه تحقیقات کمی انجام شده؛ ولی منابعی برای تحقیقات در کتابخانه‌ها موجود است که از مهم‌ترین آن‌ها تفاسیر اَباضیه است. در دهه‌های اخیر، به صورت خیلی محدود، چند عنوان کتاب در خصوص مذهب، تاریخ، اعتقادات و فقه اَباضیه، به زبان فارسی تألیف شده‌اند. علاوه بر آن، تعداد محدودی مقاله و چندین رساله و پایان‌نامه در موضوع اَباضیه نگاشته شده که ذیلاً معرفی می‌شوند، اما تاکنون، کتاب، رساله، یا مقاله‌ای که براساس تفاسیر شیعه و اَباضیه، دیدگاه آنان را در مورد امامت و ولایت بررسی و مقایسه کرده باشد، وجود ندارد.

الف) کتاب‌ها

کتاب «تاریخ و اعتقادات اِباطِیّه»، مروری بر تاریخ پیدایش فرقه اِباطِیّه و نگاهی به عقاید آنان و فراز و نشیب‌های آنان، از ابتدای قرن اول تا عصر کنونی است. در این کتاب، سعی شده است با استناد به اسناد و مدارک مورد قبول اِباطِیّه، تحولات تاریخ و نیز اعتقادات و فقه این فرقه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کتاب «فقه اِباطِی» نیز، مبانی استنباط در فقه اِباطِی، منابع اجتهاد، شرایط اجتهاد و قواعد اصولی مهم نزد مذهب اِباطِی را بیان کرده است. از خصائص فقهی اِباطِی در مقایسه با مذاهب اهل سنت و شیعه، مطالب مفیدی ارائه شده است.

کتاب دیگری با عنوان «آشنایی با مذهب اِباطِی»، در بردارنده اطلاعاتی جامع و مفید درباره فرقه اِباطِیّه است. اصول، فقه، سیره عملی و طبقات فقیهان و راویان، و روابط آنان با دیگر مذاهب اسلامی در این کتاب آمده است.

ب) مقالات

در مقاله «نگاهی به تفاسیر اِباطِیّه» آمده است که: اِباطِیّه یکی از فرقه‌های انشعابی خوارج است. این که آنان از گروه‌های خوارج می‌باشند، از اموری است که خود به شدت منکر آنند و در تمام نوشته‌های پیشین و اخیر، از آن تبری می‌جویند. مقاله در ادامه، دیدگاه‌های اِباطِیّه را در بخش‌های سیاسی، کلامی و اعتقادی توضیح می‌دهد.

در مقاله دیگری به نام «آرای کلامی و تفسیری اِباطِیّه» آمده است: چگونه اِباطِیّه خود را از خوارج نمی‌دانند، با این که آن‌ها محکمه اولی را تأیید می‌کنند. به رغم همه تلاش‌های اِباطِیّه، برای جداسازی فرقه خود از گروه خوارج، آنان نتوانسته‌اند هم‌سوئی خود را با خوارج درباره علی علیه السلام پنهان کنند.

مقاله‌ای به نام فقه و اعتقادات اِباطِیّه می‌گوید: اِباطِیّه به عنوان یکی از فرقه‌های معاصر، فرقه بسیار کهنی است که باقی مانده خوارج به شمار می‌رود؛ اما همین انتساب کلی، موجب سوء تفاهم‌ها و عدم ارتباط مناسب سایر مذاهب اسلامی با آن‌ها شده

است. شناخت دقیق این فرقه، موجب فهم صحیح فرصت و چالش‌های ارتباط با این فرقه خواهد شد.

در مقاله دیگری به نام «تحلیلی بر چگونگی شکل‌گیری و عقاید خوارج اباضیه»، گفته شده، در طی تحولات سده اول و دوم هجری، اباضیه به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فرقه‌های خوارج، در بصره پا به منصفه ظهور گذاشت. اباضیه سپس، نه تنها شبه جزیره عربستان، بلکه در نهایت، قاره آفریقا را نیز تحت تأثیر عقاید خویش قرار داد.

مقاله «اباضیه، پیروان عبدالله بن اباض» می‌گوید: نویسندگان اباضیه، سرسختانه می‌کوشند که خود را از زمره خوارج بیرون سازند؛ حتی از توصیف آنان به این لقب رنج می‌برند و می‌گویند: اباضیه هرچند در برخی از اصول با خوارج هم سو می‌باشند، ولی با آنان اختلاف اساسی دارند. آنان می‌گویند: این مذهب در بخش پایانی قرن نخست، به وسیله دو نفر پی‌ریزی شد. آن دو عبارتند از: عبدالله بن اباض، که پیشوای سیاسی، و جابر بن زید عمانی، که پیشوای دینی بود.

مقاله دیگری به نام «امامت و حکومت از دیدگاه اباضیه» می‌گوید: امامت در نزد اباضیه با دیگر فرق اسلامی شباهت زیادی دارد، ولی دیدگاه منابع اسلامی بر آن است که خوارج، قائل به وجوب امامت نیستند و شعار اولیه آنان یعنی «إِن الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» گواه نظریه آن‌هاست؛ اگرچه عمل آنان خلاف اعتقادشان را ثابت کرده است.

ج) رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها

پایان‌نامه‌ای با عنوان «دیدگاه اباضیه در مورد خوارج» می‌گوید: «آن‌چه به طور معمول تحت عنوان نظریات خوارج به رشته تحریر درآمده است، تماماً» آراء مشترک میان آن‌ها نیست. آن‌چه به راستی آنان را به هم می‌پیوندد، منشأ تاریخی مشترک آن‌هاست؛ وگرنه دو طیف افراطی و معتدل از خوارج، آن‌چنان از یک‌دیگر جدا شدند، که صحبت از نظریات خوارج، بدون ذکر استثنایها و موارد اختلاف، دور از احتیاط است.

پایان‌نامه «امامت در اباضیه» می‌گوید: مسأله امامت از مهم‌ترین مباحث کلامی در

جهان اسلام است و در این عرصه، فرقه اِباطیه، رویکرد خاصی به مسأله امامت نشان داده است. در مسأله امامت، فرقه اِباطیه با امامیه، مشترکات و تمایزات فراوانی دارد که می‌توان به وجوب امامت در هر دو اشاره کرد. نگاه منصوص امامیه به این مسأله، نقطه تمایز اصلی با اِباطیه است.

پس از بیان این مقدمات، دیدگاه‌های مفسرین اِباطیه در ذیل آیات امامت و ولایت، ذکر و آن‌گاه، نقد مفسرین شیعه بر آن نظرات خواهد آمد. مفسرین اِباطیه، با استدلال‌های شیعیان مبنی بر این که، امامت منصبی الهی است و پیامبر ﷺ مصادیق آن را مشخص کرده، موافق نیستند و مصادیق امامت را با انتخاب مردم دانسته‌اند؛ لذا در این مقاله از بین آیات زیادی که در رابطه با این موضوع وجود دارد، هفت آیه را انتخاب، و کلیدواژه‌های اصلی آن‌ها را، در هفت محور «أولی الأمر»، «ولایت»، «امامت»، «مودت»، «تبلیغ»، «إكمال» و «تطهیر» مورد بررسی قرار داده‌ایم، تا نکات اشتراک و افتراق آن‌ها، در جملات و عبارات‌هایی کوتاه، به اساتید، دانشجویان و محققین گرامی تقدیم گردد.

محور اول: أولی الأمر

یکی از کلیدواژه‌های قرآنی که به موضوع امامت پرداخته است، عبارت «أولی الأمر» می‌باشد. آیه ۵۹ سوره نساء، که به آیه اطاعت یا أولی الأمر معروف است، گنجینه گران‌بهایی از مبحث امامت را مطرح کرده و دلیل بر عصمت و امامت اهل بیت ﷺ می‌باشد.

تفاسیر اِباطیه در رابطه با «أولی الأمر» گفته‌اند: ۱. أولی الأمر، همان اهل فقه و دانش و عقیده هستند. ۲. أولی الأمر، عالمان و دانشمندان هستند. ۳. أولی الأمر صاحبان تفقه در عقل و دین هستند. ۴. أولی الأمر، فرماندهان لشکرها هستند (الهوری، ۳۵۴/۱؛ اطفیش، ۲۵۱/۳).

آن‌چه در تفاسیر اِباطیه جلب توجه می‌نماید، این است که آنان، دو نکته را برجسته کرده‌اند، یکی اطاعت، و یکی هم، أولی الأمر. آنان می‌گویند: این دستور «اطاعت کنید»

برای بزرگی و شکوه پیامبر ﷺ تکرار شده و برای رفع این ابهام است که او، از چیزی غیر از آن چه در قرآن آمده، تبعیت نمی‌کند. و هم‌چنین گفته‌اند که اولی الامر، فرماندهان لشکرها، قاضیان، مفتی‌ها و علمای دین در عهد رسول خدا ﷺ و بعد از آن هستند. و برخی، اولی الامر را همان مجتهدان دانسته‌اند، که در اصول فقه به آن‌ها «اهل حل و عقد» گفته می‌شود.

مفسرین شیعه می‌گویند، این آیه بین رسول و اولی الامر جمع کرده، و برای هر دو، یک اطاعت را ذکر نموده و ظاهراً به شریفه این است که اطاعت از اولی الامر، مطلق است و مقید به هیچ قید، و مشروط به هیچ شرطی نیست. لذا، همان‌گونه که اطاعت از خدا و رسولش مطلقاً واجب شمرده شده است، اطاعت از اولی الامر نیز به صورت مطلق واجب است؛ بنابراین، منظور از اولی الامر، آن افراد معینی هستند که مانند رسول خدا ﷺ دارای عصمتند. به هیچ وجه، اجبار به اطاعت کسی جایز نیست؛ مگر کسی که معصوم است و از فراموشی و خطا در امان است. این چیزی است که در مورد امرا و علما اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه این اطاعت مطلق، برای ائمه واجب است، که دلالت بر عصمت و پاکی آن‌ها می‌کند (طبرسی، ۲۰۲/۵؛ طباطبایی، ۲۳۵/۳؛ طوسی، ۶۱۸/۴).

آنان می‌گویند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر ﷺ، به امامان معصوم سپرده شده است، و غیر آن‌ها را شامل نمی‌شود؛ البته اطاعت از کسانی که از طرف آن‌ها به مقامی منصوب شوند و پستی را در جامعه اسلامی به عهده بگیرند، با شروط معینی، لازم است؛ نه به دلیل این که اولی الامرند؛ بلکه به دلیل این که نمایندگان اولی الامرند. بنابراین بر اساس این آیه قرآنی، هیچ کدام از گروه‌هایی که اباضیه نام بردند، چون معصوم نیستند، اولی الامر هم نیستند.

در رابطه با نظری که در تفاسیر اباضیه در خصوص اطاعت گفته شده، علمای شیعه دیدگاه متفاوتی دارند. آن‌ها می‌گویند: با امر به اطاعت خدا، لزوم اطاعت پیامبر نیز فهمیده می‌شد؛ لکن پیامبر را جداگانه ذکر می‌کند تا در بیان مطلب مبالغه‌ای باشد و کسی نکوید یا نپندارد که اطاعت پیامبر، مخصوص دستوراتی است که در قرآن آمده

است؛ بلکه منظور این است که هر آن چه را پیامبر می فرماید، اعم از هر چیزی که در قرآن آمده یا نیامده، اطاعت کنید. چون خداوند در جای دیگر فرموده است که پیامبر از روی هوای نفس سخن نمی گوید، و تمام سخنان آن حضرت حجت است.

استاد مطهری می گوید: «ما هرگز نباید چنین اشتباهی را مرتکب شویم، که تا مسأله امامت در شیعه مطرح شد، بگوییم یعنی مسأله حکومت؛ در حالی که مسأله حکومت از فروع و یکی از شاخه های خیلی کوچک مسأله امامت است و این دورا نباید با یک دیگر مخلوط کرد. پس مسأله امامت چیست؟ در مورد مسأله امامت، آن چه که در درجه اول اهمیت است؛ مسأله جانشینی پیغمبر است؛ در توضیح و تبیین و بیان دین، منهای وحی» (مطهری، مجموعه آثار، ۴/۷۲۷).

از نظر سیر تاریخی، دیدگاه مفسران اباضیه در قرن های سوم قمری، سیزدهم قمری و معاصر، که به ترتیب مؤلف کتاب *الله العزیز، تیسیر التفسیر و جواهر التفسیر* هستند، و از نظر زمانی هر کدام در شرایط اجتماعی خاصی قرار داشته اند، تفاوت معناداری مشاهده نمی شود و نظر آن ها در رابطه با اولی الامر یکسان است و برداشت آنان از معانی و مصادیق آن، به طور کلی با شیعیان متفاوت است.

محور دوم: ولایت

یکی دیگر از کلمات قرآن کریم که به بحث امامت پرداخته است، آیه ۵۵ سوره مائده است. این آیه، یکی از واضح ترین دلایلی است که امامت بلا فصل امام علی علیه السلام را پس از پیامبر اثبات می کند.

اباضیان معتقدند که در این آیه، «ولی» به معنای نصرت و یاری و هم چنین به معنای دوست دار است. نکته قابل تأمل این که گفته اند، برخی از شیعیان ادعا کرده اند، مصداق امام در این آیه در زمان پیامبر، علی علیه السلام است، نه رسول خدا، و مقصود از کلمه «رسول» در آیه، همان او (امام علی) است. هم چنین، «الَّذِينَ آمَنُوا» را به تمام مومنان نسبت

داده‌اند، و رکوع ذکر شده در این آیه را به معنای رکوع نماز ندانسته، و آن را به معنای مطلق خضوع و تواضع در دین خدا معنی کرده‌اند (الهُواری، ۱/۴۳۳؛ اطفیش، ۴/۷۰).
اما، مفسرین شیعه می‌گویند: سوره مائده در اواخر عمر پیامبر ﷺ نازل شده و مسأله ولایت و جانشینی هم به صورت طبیعی در اواخر عمر مطرح می‌شود. بدین جهت، این آیه نیز یکی دیگر از آیاتی است که دلالت بر ولایت امیرالمؤمنین ﷺ دارد. آنان همگی اتفاق نظر دارند که کلمه «ولی» در آیه، به معنی دوست و ناصر و یاور نیست؛ بلکه منظور از «ولی» در آیه فوق، ولایت به معنی سرپرستی و تصرف و رهبری مادی و معنوی است.
آنان می‌گویند، این که مصداق منحصر به فرد «الَّذِينَ آمَنُوا» علی ﷺ است، روایتی است که از طریق اهل تشیع و تسنن، نقل شده است، مبنی بر این که آیه شریفه درباره علی ﷺ، هنگامی نازل شد که انگشتی خود را در حال رکوع به سائل بخشید (طباطبایی، ۱۰/۶؛ طبرسی، ۷/۸۸).

اما جواب این اشکال که گفته‌اند برخی شیعیان ادعا کرده‌اند که علی ﷺ در زمان پیامبر، هم حاکم بوده و هم امام، روشن است؛ زیرا ولایت ولی و وصی و خلیفه و جانشین، هم‌واره بالقوه بوده نه بالفعل. آیا در داستان حضرت زکریا ﷺ که از خداوند فرزندی طلب می‌کند، تا ولی و جانشین و وارث او باشد و خداوند نیز خواسته‌اش را اجابت نموده و یحیی را به او می‌دهد، یحیی در زمان حیات پدر، وارث و ولی و جانشین اوست، یا پس از رحلت پدر؟ روشن است که این امور بعد از مرگ پدر است. بنابراین، ولایت در آیه شریفه، به معنای صاحب اختیار و سرپرست و امامت امت است، ولی تمام این معانی، بعد از رحلت پیامبر ﷺ، برای علی ﷺ فعلیت پیدا می‌کند (مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ۹۹).

محور سوم: امامت

یکی دیگر از آیات قرآن، آیه ۱۲۴ سوره بقره است. این آیه این گونه استدلال می کند که مقام امامت، بالاتر از نبوت و رسالت است. پیامبران بزرگ، از جمله پیامبر اعظم اسلام ﷺ هر دو منصب رسالت و امامت را داشته اند.

اولین نکته ای که مفسران اباضیه در خصوص معنای امام گفته اند این است که، امام، یعنی مقتدا و پیشوایی که مردم به او اقتدا نموده و از گفتار و کردار او پیروی می کنند. در خطابی که به حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»، یعنی ما تو را تا روز قیامت برای مردم، الگو و اسوه قرار دادیم و پیامبران پس از او فقط از ذریه او هستند. او پیشوای پیامبران پس از خود است و هر پیامبری، پیشوایی برای پیامبران و مردم پس از خود است (الهواری، ۱/۱۳۷).

مفسران اباضیه چون به انتخابی بودن امام اعتقاد دارند، گفتارشان در این رابطه نیز، مستند و حتی مطابق با نص و ظاهر نیست. در تمام تفاسیر کهن و تفاسیر معاصر آنان، تفاوتی مشاهده نمی شود. آنان از سویی گفته اند که هر انسان فاسق و مشرکی که زمام امور را به دست بگیرد، امام و خلیفه و حاکم نیست، بلکه غاصب است؛ از سوی دیگر می گویند اگر کسی پس از توبه به مسند قدرت رسید، امامتش جایز است، همان طور که ابوبکر و عمر پس از توبه و اسلام آوردن خلیفه شدند. این نکته هم نشانه دیگری است که آن ها امام را فردی عادی مثل دیگر افراد جامعه می دانند که در معرض انتخاب مردم قرار گرفته اند، و برای امام، انتصابی بودن و شرط عصمت قائل نیستند.

شیعیان می گویند: امامت، یک منصب و مقام ممتاز است؛ حتی لازم نیست که هر پیغمبری امام نیز باشد. مقام امامت بالاترین مقامات است؛ بنابراین، عهد خدا و امامت، تنها به معصومین می رسد.

علاوه بر آن، امام باید معصوم از هر ضلالت و گناهی باشد، و گرنه مهتدی به نفس نخواهد بود؛ بلکه محتاج به هدایت غیر خواهد بود. نهایتاً این که، هر کسی که مطلقاً ظلمی از او صادر شود، هر چند یک ظلم و آن هم ظلمی بسیار کوچک باشد، چه این ظلم

شرک باشد و چه معصیت، چه در همه عمرش باشد و چه در ابتدای عمر، حتی اگر بعد از آن توبه کرده و صالح شده باشد، باز هم نمی‌تواند امام باشد.

شیخ صدوق، می‌گوید: «فرشتگان، با همه فضیلت و عصمتی که دارند، صلاحیت انتخاب امام را نداشتند، تا آن‌که خداوند، خود متصدی آن گردید و نه ایشان. خداوند به این اختیار بر عاقله خلائقش احتجاج فرمود که ایشان را راهی در اختیار خلیفه نیست؛ زیرا فرشتگان خدا، با همه صفا و وفا و پاکدامنیشان، چنین اختیاری نداشتند. در این صورت، انسان با همه بی‌خردی و نادانیش، چگونه و با چه صلاحیتی می‌تواند امام را انتخاب کند؟! احکام غیر امامت، مثل نماز و زکات و حج و غیره را بنگرید. آیا خدای تعالی آن احکام را به مردم وا گذاشته است؟! مسلماً در این احکام مردم حق اختیار و انتخاب ندارند، پس چگونه مسأله امامت و خلافت را که جامع همه احکام و حقایق است، به مردم وا گذاشته است» (صدوق، ۱/۱۸)؟!

شهید مطهری می‌گوید: «دقیق‌ترین کلمه‌ای که بر کلمه «امامت» منطبق می‌شود، کلمه «رهبری» است. فرق نبوت و امامت در این است که نبوت، راهنمایی و امامت، رهبری است. بشر علاوه بر راهنمایی، به رهبری نیاز دارد. قرآن مجید بر این اصل بسیار تکیه می‌کند و در معارف شیعه، این اصل قرآنی، جای شایسته خود را دارد. منظور قرآن از رهبری، علاوه بر رهبری اجتماعی، رهبری معنوی، یعنی رهبری به سوی خداست، و آن خود حساب دقیق و حساسی دارد و از رهبری‌های اجتماعی، بسی دقیق‌تر و حساس‌تر است. امامت و رهبری انسان‌ها، چه در بعد معنوی و الهی و چه در بعد اجتماعی، عالی‌ترین درجه و مقام و پستی است که از طرف خدا به یک انسان واگذار می‌شود. نبوت و امامت دو منصب است که در انبیای بزرگ، هر دو منصب جمع است و در انبیای کوچک یکی از آن دو؛ کما این‌که در ائمه، امامت و رهبری هست، ولی نبوت یعنی راهنمایی جدید نیست؛ چون راه، همان راهی است که پیغمبر نمایانده است و ائمه، مردم را در همان راه که پیغمبر از طرف خداوند ارائه کرده است، حرکت می‌دهند، بسیج

می‌کنند و راه می‌برند. این، مفهوم امامت از نظر اسلام است» (مطهری، مجموعه آثار، ۳/۳۱۸-۳۲۱).

محور چهارم: مودت

یکی دیگر از واژه‌های قرآن که در فضیلت اهل بیت است، کلمه مودت است که در آیه ۲۳ سوره شورا است. از مفسران اباضیه، تنها شیخ هود بن محکم الهواری درباره این آیه به دو نکته پرداخته است: یکی این که چون پیامبر ﷺ با قریش نسبت فامیلی دارد، لذا از آن‌ها خواسته است به دلیل خویشاوندی از او حمایت کنند؛ دیگر این که، قُربی را عمل صالحی دانسته‌اند که موجب تقرب به خدا می‌شود (الهواری، ۴/۸۹).

مفسران شیعه، مودت قُربی را، به دوست داشتن اهل بیت تفسیر کرده‌اند و کسان دیگر، غیر از اهل بیت را، از مصادیق مودت قُربی ندانسته‌اند. آنان می‌گویند: اسلام، اهتمام زیادی به مسأله قرابت و رحم دارد، اما به‌عنوان صله رحم، و این که با رحم قطع رابطه نکنند، و از دادن مال عزیز و مورد حاجت خود به ارحام فقیر مضایقه نمایند؛ نه به‌عنوان این که صرفاً رحم خود را دوست بدانند. چون اسلام بر هر محبتی به جز محبت به خدا، خط بطلان کشیده است. پس مراد از ذوی القُربی، اهل بیت پیغمبر ﷺ، علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ و در بسیاری از اخبار، ائمه اطهار هستند.

علاوه بر آن می‌گویند: این که در سوره شعرا، مسأله اجرو و مزد رسالت، قبل از پیامبر اسلام ﷺ از زبان پنج تن از پیامبران دیگر نیز مطرح شده، نشان می‌دهد که آنان هیچ اجرو و مزدی را طلب نکرده‌اند؛ ولی پیامبر اسلام، دوستی نزدیکانش را به‌عنوان اجرو و مزد رسالت مطرح کرده است. در آیه ۴۷ سوره سبأ مشخص شده که اجرو رسالت، سود شخصی برای پیامبر اسلام ندارد؛ بلکه فایده آن به خود مردم بازمی‌گردد. آیه ۵۷ سوره فرقان نشان می‌دهد که اساساً طرح مسأله اجرو رسالت، خود در راستای استمرار اهداف رسالت است.

شیخ صدوق می‌گوید: امام صادق فرمود: ما ائمه مسلمانان و حجّت‌های خداوند بر

جهانیان و سرور مؤمنان و مولای اهل ایمانیم. ما امان اهل زمینیم، هم چنان که ستارگان امان اهل آسمانند. ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه داشته، تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او. به جهت ما زمین را نگاه داشته که اهلش را نلرزاند. به سبب ما باران را فرو فرستاده و رحمت را منتشر کرده و برکات زمین را خارج ساخته. اگر نبود که ما بر روی زمینیم، اهلش را فرو می برد. سپس فرمود: از روزی که خداوند آدم را آفرید، زمین خالی از حجت نیست، که یا ظاهرو مشهور است، یا غایب و نهان و تا روز قیامت نیز از حجت خدا خالی نخواهد ماند (صدوق، ۱/۳۹۳).

علاوه بر نکات تفسیری، در منابع و کتاب‌های تاریخی اَباضیه، مطالبی در رابطه با امیرالمؤمنین و اهل بیت وجود دارد. نمونه‌هایی از این مطالب که در جهت تقریب مذاهب ارزشمند است را مرور می نماییم.

علی یحیی معمر، می گوید: تبلیغات ضد اَباضی مغرضین و شایعاتی مبنی بر تنفر اَباضیه از صحابه یا برخی از صحابه، ایجاب می کند که ما نظر واقعی اَباضیه را در این باره بیان کنیم. وی در این زمینه مدارک و اسنادی تاریخی ارائه می دهد؛ از قبیل نامه‌های شیوخ و علمای معروف اَباضی و متونی از کتب کهن علمای این مذهب: از جمله از قول ابوریع سلیمان حیلانی آورده که دشمنی با برخی از صحابه؛ دروغ و بهتانی است که بر اَباضیان بسته‌اند. آنان بر پیامبر، علیه الصلاة و السلام، این گونه درود و صلوات می فرستند: *اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَأَزْوَاجِهِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَذُرِّيَّتِهِ وَآلِ بَيْتِهِ أَجْمَعِينَ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى سَيِّدِنَا إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ سَيِّدِنَا إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.* به گفته ابوریع، هر فرد سلیم النفسی با تأمل در این عبارات، درمی یابد که این دعا تمام صحابه و خاندان و همسران و فرزندان و فرزندان‌دگان را براساس آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» شامل می گردد. ایشان از ابویحیی زکریا بن یونس فرسطنائی نقل کرده که گفته است: به حج رفته بودم. وقتی طواف کعبه را به پایان رساندم، مردی نظرم را درباره علی عليه السلام پرسید. گفتم: شهسوار مسلمانان، کشنده مشرکان، و پسر عم پیامبر خداست و او را فضاییلی است.

شیخ سعید ثعاریتی، آیاتی را که گفته‌اند در حق امام علی و اهل بیت نازل شده و نیز احادیثی که در این باره مروی است، را نقل کرده و افزوده است: چگونه چنین نباشد؟ چه او فصیح‌ترین مردم و نزدیک‌تر از همه به پیامبر و صاحب سرّ او بود. خدا را سپاس می‌گوییم که کتاب‌های ما (اباضیه) مشحون است از روایت‌هایی که از قول علی بن ابی طالب نقل شده، و نیز سرشار از تمجید و ستایش اوست.

ابواسحاق ابراهیم طفیش درباره علی علیه السلام می‌گوید: علی فردی است مشهور و نیاز به ذکر فضایلش در نسب و زهد ندارد. او عقل و علم و شجاعت و عدالت داشت (عرب، ۴۹-۵۲).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۶۱

محور پنجم: تبلیغ

یکی دیگر از آیات قرآن کریم، آیه ۶۷ سوره مائده است. پیامبر در این آیه با عنوان رسالت مورد خطاب قرار گرفته است. این بدان جهت است که در این آیه، گفتگواز تبلیغ است. این آیه در اواخر عمر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، دستور می‌دهد که مسأله جانشینی را علنی و با صراحت اعلام فرماید. با دقت و بررسی در تفاسیر اباضیه، مشخص شد که آنان مطلبی در تفسیر این آیه ارائه نداده‌اند.

مفسرین امامیه تاکید می‌کنند که چون در آیه عدم تبلیغ را، به منزله عدم تبلیغ رسالت کلیه دانسته است، لذا معلوم می‌گردد، امری که تمام احکام اسلامی و دستورات دینی منوط به اوست، چیزی جز ولایت نیست. ولایت روح ایمان است و خداوند متعال بر آن تاکید مؤکد فرموده است. «اهمیتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله به این موضوع داده و در بیابان، متجاوز از ده تا دوازده هزار نفر را، در آن حرارت آفتاب حجاز، نگه داشته است، صرفاً مسأله محبت یا فضیلتی برای علی علیه السلام نبوده؛ زیرا آن‌ها را مکرر فرموده بود و این تاکید و اهتمام، چیزی جز ولایت و خلافت نیست، که این امر مهم موجب کمال دین و تمامیت نعمت اسلام است» (طیب، ۴/۴۲۲).

علامه طباطبایی می‌گوید: روایاتی که هم از طرق عامه و هم از طرق امامیه وارد شده است، این مطلب را تأیید می‌کند؛ چون مضمون آن روایات این است که آیه شریفه درباره ولایت علی علیه السلام نازل شد و خداوند رسول الله صلی الله علیه و آله را مأمور به تبلیغ آن نموده است.

محور ششم: اکمال

یکی دیگر از آیات قرآن، آیه سوم سوره مائده است. این آیه، اتمام و اکمال دین را به مسأله امامت مرتبط دانسته و جانشینی و خلافت را الطافی الهی برمی‌شمرد که خداوند مصادیق آن را مشخص فرموده است.

مفسرین اباضیه معتقدند که این آیه، روز جمعه، که هم زمان با روز عرفه بوده است، بر پیامبر اسلام نازل شده. یعنی در همان زمانی که خداوند، مشرکان را از مکه دور ساخت و برای مسلمانان حجشان را کامل ساخت و پس از آن هیچ حلال و حرامی نازل نشد. علاوه بر آن می‌گویند که آیه اکمال، روز فتح مکه، هشت روز مانده به پایان ماه رمضان سال نهم، یا سال هشتم بوده است. زیرا آیه می‌گوید دین شما را با پیروزی شما و پیروزی دینتان بر غیر شما و دیگر دین‌ها کامل نمودم. بنا بر نظر دیگری می‌گویند: منظور از الیوم، زمان پیامبر است و با توجه به این که شما را به دین اسلام هدایت کردم و شما را در عمل به آن توفیق بخشیدم، پس دین را برای شما تکمیل و نعمتم را بر شما تمام کردم (الهوری، ۱/۴۰۲).

علمای امامیه اعتقاد دارند که اکمال دین و اتمام نعمت در آن روز، در سایه ولایت تحقق یافت. آنان بر این عقیده هستند که علاوه بر روایات فراوان شیعه، روایات زیادی هم در منابع اهل سنت وجود دارد که می‌گویند: این قسمت از آیه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ﴾... پس از نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به امامت، در غدیر خم نازل شده است (مکارم، تفسیر نمونه، ۴/۲۶۳).

شیعیان می‌گویند این آیه، هنگامی نازل گردید که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم، در حین بازگشت از حجة الوداع، علی علیه السلام را برای مردم عَلم و پیشوا ساخت و آخرین امر واجبی که خداوند نازل فرمود، همین است (طبرسی، ۶/۲۰۴).

آنان می گویند: این احتمال که مراد از کلمه «یوم» روز بعد از فتح باشد، درست نیست؛ زیرا آیه شریفه دلالت به اکمال دین دارد و ما می دانیم که بعد از فتح مکه، دین خدا کامل و نعمتش تمام نشده بود؛ چون فتح مکه در سال هشتم هجرت اتفاق افتاد و بسیاری از واجبات دینی اسلام، بعد از این سال نازل شد. لذا از نظر زمانی و استدلال تاریخی نیز، این آیه در هجدهم ذی الحججه سال دهم هجری، یعنی روز عید سعید غدیر خم نازل شده است.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۶۳

محور هفتم: تطهیر

از دیگر واژه های قرآنی، کلمه تطهیر است که در آیه ۳۳ سوره احزاب، در شأن امیرالمؤمنین و ائمه اطهار نازل شده است.

مفسران اباضیه در تفسیر این آیه گفته اند که منظور از رجس، یا همان شیطان است که شما را به گناه کردن فرامی خواند، یا این واژه به معنای خود گناه است. آنان می گویند که «آل» موجود در کلمه اهل البیت، از نوع عهد است و در اصل، معنای آن، بیت النبی یا همان خانه پیامبر ﷺ می باشد. این خانه همان خانه ای است که برای سکونت بنا شده و نه خانه خویشاوندی و اصل و نسب، و نه مسجد پیامبر. پس منظور از کلمه اهل بیت در این آیه، همسران پیامبر ﷺ هستند و با توجه به کلمه اهل، ضمیر مذکر برای احترام، یا برتری نهادن پیامبر ﷺ به کار رفته است و شامل خانواده ایشان می شود.

علاوه بر آن گفته اند: برخی از ابوسعید خُدری و قتاده و مُجاهد روایت کرده اند که اهل بیت همان علی، حسن، حسین و فاطمه هستند. این احتمالاتی است که مفسران اباضیه در رابطه با معنای اهل البیت، مطرح کرده و احتمال قوی تر آن را به همسران پیامبر ﷺ داده اند. آنان سپس، «خمسه طیبه» را از مصادیق آیه بر شمرده اند. البته اباضیان، سلاله حضرت زهرا علیها السلام و خاندانشان را برترین خاندان و نسب عرب می دانند (اطفیش، ۲/۲۴).

اما مفسران شیعه اعتقاد دارند، مقصود از اهل البیت در آیه تطهیر، خاندان رسالت

است، نه غیرایشان. در روایات آمده که این آیه شریفه در شأن رسول خدا ﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ نازل شده است. احدی نیز در این فضیلت با آنان شرکت ندارد. این روایات بسیار زیاد، و بیش از هفتاد حدیث است، که بیشتر آن‌ها از طرق اهل سنت نقل شده است.

شهید مطهری به خطبه دوم نهج البلاغه استناد کرده که می‌فرماید: اهل بیت جایگاه راز خدا، پناه‌گاه دین او، صندوق علم او، مرجع حکم او، گنجینه‌های کتاب‌های او و کوه‌های دین او می‌باشند... احدی از امت با آل محمد ﷺ قابل قیاس نیست. کسانی را که از نعمت آن‌ها متنعم‌اند، با خود آن‌ها نتوان هم ترازو کرد. شرایط ولایت امور مسلمین در آن‌ها جمع است و پیغمبر درباره آن‌ها تصریح کرده است. آنان کمالات نبوی را به ارث برده‌اند. اهل بیت یک معنویت فوق العاده و مقام ممتاز دارند که آنان را در سطحی ما فوق سطح عادی قرار می‌دهد و با وجود افرادی در این سطح، سخن از دیگران بیهوده است» (مطهری، مجموعه آثار، ۴۵۸/۱۶).

نتیجه:

بر پایه آن چه گذشت، می‌توان به اختصار و در محورهای زیر چنین نتیجه گرفت که:
در محور اول:

- اباضیان، اولی الامر را عالمان، صاحب منصبان و حاکمان، امرای لشکر و اهل حل و عقد می‌دانند.
- اباضیان شرط عصمت برای اولی الامر قائل نیستند.
- اباضیان می‌گویند اطاعت از پیامبر، مختص آن چیزی است که فقط در قرآن آمده باشد.
- این در حالی است که شیعیان معتقدند، چون در قرآن اطاعت از اولی الامر مطلق و بدون هیچ قید و شرطی آمده است، پس اولی الامر معصوم است.
- از نظر شیعه، اولی الامر، فقط پیامبر ﷺ و اهل بیت آن حضرت می‌باشند.

- شیعیان می‌گویند اطاعت از پیامبر، اعم از هر چیزی است که در قرآن آمده، یا نیامده است.

در محور دوم:

- از نظر اباضیان، ولایت به معنی نصرت و یاری کردن است.
- اباضیان معنای رکوع را به معنای مطلق خضوع و تواضع دانسته‌اند.
- ولی شیعیان، ولایت را به معنی سرپرستی و رهبری مادی و معنوی می‌دانند.
- مفسران شیعه، معنای رکوع در آیه ولایت را، رکوع در نماز می‌دانند و مصداق آن را امیرالمؤمنین علیه السلام می‌دانند.

در محور سوم:

- اباضیان به وجوب امامت معتقدند و از این جهت با شیعیان هم نظر هستند.
- برای امام، انتصابی بودن و شرط عصمت قائل نیستند.
- اباضیان معتقدند که خلافت، برتر از امامت است، و این مهم فقط در زمان خلفای صدر اسلام بوده است و دیگر مصداقی برای آن نخواهد بود و تحقق نخواهد یافت.

- اباضیان حکومت و امامت را مترادف با هم می‌دانند.
- اما شیعیان معتقدند که جعل امامت، فقط به دست خداوند است.
- شیعیان بر خلاف اباضیان، اعتقاد دارند که امامت، مقامی برتر است و خلافت و حکومت تنها یکی از اجزاء کوچک امامت است.

در محور چهارم:

- اباضیان در مورد مودت قربی گفته‌اند، چون پیامبر با قریش نسبت فامیلی دارد، از آن‌ها خواسته است به جهت خویشاوندی، از او حمایت کنند، نه برای اصل دین و ایمان.
- اباضیان، قربی را عمل صالحی دانسته‌اند که موجب تقرب به خدا می‌شود.

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امامیه و اباضیه در مفهوم امامت براساس متون تفسیری آنان؛ رویکردی تاریخی

- با این همه شیعیان، مودت قربی را به دوست داشتن اهل بیت تفسیر کرده‌اند و مصداق آن را ائمه اطهار دانسته‌اند.

در محور پنجم:

- نظر اباضیه در رابطه با آیه تبلیغ به دست نیامد.
- اما شیعیان، آیه تبلیغ را در رابطه با جانشینی پیامبر ﷺ می‌دانند؛ یعنی امری که موجب کمال دین و تمامیت نعمت اسلام است، و آن، چیزی جز ولایت نیست.

در محور ششم:

- اباضیان می‌گویند آیه اکمال، روز عرفه سال حجه الوداع، نازل شده است.
- اباضیان معنای یوم را روز بعد از فتح مکه می‌دانند و می‌گویند معنای آیه، کامل شدن حج است، یا به این معنی است که پس از آن هیچ حلال و حرامی نازل نشد.

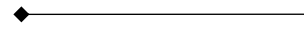
- در حالی که شیعیان می‌گویند فتح مکه در سال هشتم هجرت اتفاق افتاد، و بسیاری از واجبات دینی بعد از این سال نازل شد.
- آنان اعتقاد دارند که این آیه در هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت، نازل گردیده، و اکمال دین و اتمام نعمت در آن روز در سایه ولایت تحقق یافت.

در محور هفتم:

- اباضیان با تاکید معتقدند که منظور از اهل البیت، همسران پیامبر ﷺ هستند.
- چون در منابع آن‌ها احادیث زیادی در خصوص مصادیق اهل بیت وجود دارد، لذا یکی از احتمالات را خمسه طیبه دانسته‌اند.
- اما شیعیان معتقدند اهل البیت، خاندان رسالت هستند و غیر ایشان را شامل نمی‌شود.
- آیه تطهیر، دلالت بر عصمت ائمه اطهار دارد.

منابع

- اراکی، محسن، امامت در قرآن، ترجمه امید مؤذنی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.
- اطفیش، محمد بن یوسف، تیسیر التفسیر للقرآن الکریم، وزارت تراث القومی والثقافی، عمان، ۱۴۰۷.
- الهواری، هود بن محکم، تفسیر کتاب الله العزیز هواری، [بی جا]، دار البصائر، ۱۴۲۶.
- ایازی، سید محمد علی، نگاهی به تفاسیر اباضیه، مجله بینات، ۱۳۷۴ ش.
- بهرامی، محمد، آرای کلامی و تفسیری اباضیه، مجله پژوهش های قرآنی، بهار و تابستان، ۱۳۷۷ ش.
- جوادی صدر، محسن، امامت در اباضیه، نقد و بررسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶ ش.
- حارثی، مالک بن سلطان، نظریة الامامة عند الإباضیه، مطبعة مسقط، سلطنة عمان، ۱۴۱۱ (۱۹۹۱ م).
- خلیلی، الشیخ احمد بن حمد، جواهر التفسیر، انوار من بیان التنزیل، مكتبة الاستقامة، عمان، ۱۴۰۴.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- ربانی گلپایگانی، علی، امامت در پرتو عقل و وحی، قم، انتشارات حکمت اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
- سبحانی تبریزی، جعفر، خدا و امامت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش.
- سبحانی، جعفر، اباضیه پیروان عبدالله بن اباض (م ۸۶ ق)، مجله درس های از مکتب اسلام، ۱۳۹۷ ش.
- سیفایی، محمد تقی، فقه و اعتقادات اباضیه، مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام، پاییز ۱۳۹۶.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه منصور پهلوان، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰ ش.



بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امامیه و اباضیه در مفهوم امامت براساس متون تفسیری آنان؛ رویکردی تاریخی

- ضیایی، علی اکبر، *تاریخ و اعتقادات اباضیه*، انتشارات ادیان، ۱۳۹۰ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
- طبیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عرب، محمد، *آشنایی با مذهب اباضی*، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی، حجت الله، *رحمتی نصر*، مجید، تحلیلی بر چگونگی شکل‌گیری و عقاید خوارج اباضیه، *مجله رهیافت تاریخی*، ۱۳۹۶ ش.
- گلستان، رحیم، *دیدگاه اباضیه در مورد خوارج*، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۷ ش.
- مجموعه من الباحثین، *معجم مصطلحات الإباضیه*، وزارة الاوقاف والشؤون الدينية، عمان، ۱۴۲۹.
- مطهری، مرتضی، *مدیریت و رهبری در اسلام*، (مجموعه آثار)، تهران و قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.
- مطهری، مرتضی، *نبرد حق و باطل، فطرت، توحید*، (مجموعه آثار)، تهران و قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.
- مطهری، مرتضی، *سیری در نهج البلاغه* (مجموعه آثار)، تهران و قم، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۷ ش.
- معمر، علی یحیی، *الإباضیه بین الفرق الاسلامیه*، مكتبة وهبة، قاهرة، ۱۹۷۶ م.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *آیات ولایت در قرآن*، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۶ ش.
- ملک مکان، حمید، امامت و حکومت از دیدگاه اباضیه، *مجله هفت آسمان*، تابستان، ۱۳۸۴ ش.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۶۸